



Child Custody Challenges for Divorced Mothers: A Phenomenological Study

Parvane Mirzaee Sagherlo¹ , Anahita Khodabakhshi Koolae^{2,*}

¹ MSc of Family Counseling, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran

² Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran

* **Corresponding author:** Anahita Khodabakhshi-Koolae, Department of Psychology and Educational Sciences, Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran. E-mail: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

Received: 21 Aug 2019

Accepted: 14 Sep 2019

Abstract

Introduction: The divorce is a public health issue in the family and society; that has irreparable damage to family members, especially children. One of the prominent themes in divorce is child custody. Due to the pivotal role of emotions and feelings in women, this study aimed at the psychological challenges of divorcing women over acquiring the rights of custody of the child.

Methods: The method of research was qualitative based on a descriptive phenomenological approach. For collecting data, using the semi-structured interview. Seventeen participants were referring to counseling services for acquiring the right of custody of their children in the City of Islam-Shahr, the Tehran province, by 2018. The data analysis method was based on a seven-step Colaizzi's way.

Results: The results of the study indicated that the psychological of these women divided into four main categories: negative and disturbance feeling, social isolation and stigma, Economical and Pressure and charge cost, and finally, concerns about the future of their child.

Conclusions: According to the results, it was concluded that; the most prominent psychological challenges of divorcing women might be categorized as two main concerns, including; economic, financial issues, and socio-cultural issues such as the stigma of divorce. On the other hand, the emotional and psychological problems that these women were facing after divorce. It seems that the psycho-educational interventions besides the social and financial advocacy and support are emerging.

Keywords: Child, Divorce, Custody, Women, Qualitative Study

© 2020 Iranian Nursing Scientific Association (INA)



چالش‌های حق حضانت کودک در مادران در حال طلاق: یک مطالعه پدیدارشناسانه

پروانه میرزایی سقرلو^۱ ID، آناهیتا خدابخشی کولایی^۲ ID*

^۱ کارشناس ارشد مشاوره خانواده، گروه روان شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه روان شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: آناهیتا خدابخشی کولایی، گروه روان شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران،

ایران، ایمیل: a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۳۰

چکیده

مقدمه: طلاق یک معضل سلامت عمومی در نهاد اجتماعی خانواده است که آسیب‌های جبران ناپذیری بر اعضای خانواده به ویژه فرزندان وارد می‌کند. یکی از مسائل مهم در بحث طلاق، مسئله حق حضانت کودک می‌باشد که به دلیل نقش محوری احساس و عواطف مادران در زنان، در پژوهش حاضر، به چالش‌های حق حضانت کودک در مادران در حال طلاق پرداخته شده است.

روش کار: روش پژوهش بر اساس ماهیت داده‌ها؛ کیفی و با رویکرد پدیدار شناسی توصیفی است، براساس هدف؛ از نوع کاربردی و براساس نحوه گردآوری اطلاعات، توصیفی از نوع مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته است. مشارکت کنندگان این پژوهش را کلیه‌ی زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت کودک که به مراکز مشاوره وابسته به بهزیستی در شهرستان اسلامشهر در سال ۱۳۹۷ مراجعه نموده بودند، تشکیل دادند. نمونه‌گیری براساس قاعده اشباع نظری ادامه یافت تا با ۱۷ شرکت کننده به اشباع رسید. تحلیل مصاحبه‌ها بر اساس روش هفت مرحله‌ای کلایزی انجام شده است.

یافته‌ها: نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که چالش‌های روان شناختی زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت فرزندشان، را می‌توان در چهار مضمون اصلی شامل؛ "احساسات منفی و آشفتگی روانی، طرد و استیغمای اجتماعی، فشار و بار هزینه‌های اقتصادی و در نهایت دغدغه‌های مادر از آینده فرزند" تقسیم بندی کرد.

نتیجه گیری: پژوهشگر به این نتیجه دست یافت که زنان در حال طلاق، برای گرفتن حق حضانت فرزندشان، با چالش‌های گوناگونی مواجه هستند. چالش‌های که بخشی از آنها ریشه در مسائل و دغدغه‌های معیشتی - اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی است. بخش دیگر به مشکلات فردی و بین فردی و احساسات منفی آنها بازمی‌گردد. مداخله‌های متخصصان علوم اجتماعی، روان شناسان و مشاوران باید به این دو بخش برای کاهش اثرات طلاق بر زنان و زنانی که قصد حضانت فرزند را دارند، توجه کنند. آماده سازی، آگاه سازی و توانمندسازی زنان می‌تواند از پیامدهای روانی و هیجانی زنان بکاهد.

کلیدواژه‌ها: زنان، طلاق، حضانت، کودک، مطالعه کیفی

تمامی حقوق نشر برای انجمن علمی پرستاری ایران محفوظ است.

مقدمه

می‌شود و وقوع آن برای افراد، به ویژه برای زنان که طلاق را به عنوان یک مشکل اساسی در روابط بعدی خود می‌یابند، بسیار دشوار می‌نماید [۱]. متأسفانه با بالا رفتن آمار طلاق یکی از مسائل مهمی که بسیاری از زن و شوهرها پس از جدایی با آن روبه رو می‌شوند، مسئله حضانت کودک است. هر یک از طرفین می‌خواهند این یادگار مشترک زندگی شکست خورده را پیش خود نگه دارند تا شاید با مهر و علاقه به این کودک بتوانند دردها و رنج‌های جدایی را زودتر فراموش کنند. برای آن‌ها جدایی همزمان از همسر و فرزند، دردناک‌ترین خاطره زندگی است که هرگز نمی‌توانند با آن کنار بیایند و برای همین تلاش می‌کنند بعد از مفارقت، با حضور در کنار فرزند از جدایی او جلوگیری کنند و

تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید رو به رو ساخته و آن را در معرض تهدید قرار داده است. زمانی که کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی، یکی پس از دیگری آسیب ببیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می‌دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت منجر به واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود. طلاق که مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌آید، رویدادی پیچیده است که از جنبه‌های مختلف روانی، اجتماعی و فرهنگی به آن نگریسته

شناسایی چالشهای حضانت کودک در زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت کودک سئوالاتی به شرح زیر پرسیده شد:

-چه چالشهای روان شناختی و هیجانی که برای حق حضانت فرزندان تجربه کرده‌اید؟

-تجربه زندگی به عنوان مادر تنها یا طلاق گرفته برای شما چگونه بوده است؟

-دغدغه‌های پیش روی شما برای آینده فرزندان را چه طور تصور می‌کنید؟

با توجه به این که روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود، پژوهشگر از روش تحلیل محتوای هفت مرحله‌ای Colaizzi استفاده کرد [۷]. انتخاب شرکت‌کنندگان از طریق هماهنگی با مسئولین مراکز مشاوره برای پژوهشگر میسر گردید. لازم به ذکر است انجام مصاحبه پس از توضیحات لازم از طرف پژوهشگر و با رضایت کامل شرکت‌کنندگان صورت پذیرفت. تمامی مصاحبه‌ها به صورت حضوری در مراکز مذکور انجام گردید و پس از این که شرکت‌کنندگان رضایت خود را در ارتباط با ضبط مصاحبه اعلام کردند، گفتگوها ضبط گردید. مصاحبه‌ها در فاصله زمانی بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه که به دلیل شرایط مصاحبه شوندگان متغیر بود و در مجموع ۹۸۰ دقیقه مصاحبه اجرا گردید، در این مدت به دلیل اشباع و عدم به دست آوردن اطلاعات جدید، پس از مصاحبه حضوری با ۱۷ نفر از زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت کودک این روند به اتمام رسید. بازه انجام مصاحبه‌ها از فروردین ۱۳۹۷ تا مرداد ماه ۱۳۹۷ به مدت پنج ماه انجام شد. سپس با رعایت ملاحظات اخلاقی در تمامی مراحل پژوهش، اطلاعات بر اساس تحلیل هفت مرحله‌ای کلایزی تجزیه و تحلیل گردید [۷]. در مرحله اول، تمام توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان در پایان هر مصاحبه، کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته شد و جهت درک احساس و تجارب شرکت‌کنندگان چند بار مطالعه گردید. در مرحله دوم، جملات مهم استخراج شد. زیر اطلاعات بامعنی، جملات مرتبط با پدیده مورد بحث خط کشیده شد و به این طریق عبارات مهم مشخص شدند. در مرحله سوم، استخراج مفاهیم بعد از مشخص کردن عبارات مهم هر مصاحبه سعی شد تا از هر عبارت یک مفهوم که بیانگر معنی و قسمت اساسی تفکر شرکت‌کننده بود استخراج شود. البته پس از کسب این مفاهیم تدوین شده سعی شد تا مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و نخستین مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط بین آن‌ها اطمینان حاصل شود. به عبارتی در این مرحله کدها استخراج شدند. در مرحله چهارم، بعد از استخراج کدها، پژوهشگر مفاهیم تدوین شده را به دقت مطالعه کرد و بر اساس تشابه مفاهیم آن‌ها را دسته بندی نمود، بدین گونه دسته‌های موضوعی از مفاهیم تدوین شده تشکیل شدند. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده شدند و دسته‌های کلی‌تری را به وجود آوردند. سپس در مرحله ششم، توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه ارائه شد. در نهایت در مرحله هفتم، اعتبار بخشی با ارجاع به هر شرکت‌کننده و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام شد. به منظور دستیابی به صحت و اعتبار مطالعه معیارهای اعتبارپذیری (Credibility) و اعتمادپذیری با روش Lincoln و Guba مورد توجه و استفاده قرار گرفت [۸]. با تأکید بر انتخاب بستر مناسب، همسوسازی (Triangulation) داده‌های حاصل از نتایج مصاحبه، با پژوهش‌های پیشین در حوزه تبعات طلاق و منابع

حضانت او را بر عهده گیرند [۲]. برخلاف کشورهای غربی که در بیشتر مواقع طلاق با توافق طرفین و در فضایی مسالمت‌آمیز اتفاق می‌افتد، در ایران با ایجاد تنش و استرس در خانواده‌ها به وقوع می‌پیوندد. دلایل متعددی این موضوع را تبیین می‌کند که یکی از این دلایل، قوانین مربوط به طلاق است که تجربه طلاق را برای زنان متفاوت از مردان می‌سازد [۳].

مادران مطلقه، پس از طلاق با شرایط جدیدی در زندگی رو به رو هستند. اثرات وقایع استرس‌زای زندگی و آشفتگی‌های روانی، میزان سازگاری و بهداشت روانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. غالب مادران مطلقه (چه آن‌ها که حضانت فرزندان را به عهده دارند و چه آن‌هایی که حضانت از آن‌ها سلب شده‌است) هنگامی که با شرایط جدید روبرو می‌شوند، تضادهای مادری، عزت نفس پایین، اضطراب بالا و استرس‌های شدید زندگی را تجربه می‌کنند که همگی این موارد به نوعی بر شیوهی فرزند پروری آن‌ها و ارتباطشان با کودکان تأثیر خواهد گذاشت Gottman در طی پژوهشی آشکار ساخت که چون مادران مسئولیتی بیش از پدران در روابط صمیمی و نزدیک برقرار می‌کنند، از این رو، پس از جدایی و طلاق، کودکان تمایل بیشتری دارند که در کنار مادر باقی بمانند. از طرفی، آن‌ها یادآور می‌شوند که فرزندان که با مادرشان زندگی می‌کنند در مقایسه با آن‌هایی که با مادران خود زندگی نمی‌کنند، سازگاری بهتر و تمایل بیشتری برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی دارند [۴].

پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت مسئله حق حضانت کودک توسط زنان، به بررسی چالش‌های روان شناختی زنان در حال طلاق پیرامون حق حضانت کودک پرداخته است تا دیدگاه‌ها و تجارب زنان در حال پیرامون اخذ حق حضانت کودک را از زوایای مختلف را بررسی کند. از این رو، این پژوهش برای پاسخ به این سؤال انجام شد که زنان در حال طلاق چه چالش‌های برای حضانت کودک تجربه می‌کنند؟

روش کار

این پژوهش از نوع مطالعه کیفی و به شیوهی پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. در این شیوه از پژوهش، مشارکت کنندگان به توصیف تجربه‌های خود پیرامون یک "پدیده" تجربه شده می‌پردازند [۵]. مشارکت کنندگان در پژوهش شامل ۱۷ زن در حال طلاق و متقاضی اخذ حق حضانت کودک بودند که به مراکز مشاوره وابسته به بهزیستی در شهرستان اسلامشهر در استان تهران در سال ۱۳۹۷ مراجعه نمودند. برای جمع آوری اطلاعات در این پژوهش، از روش نمونه گیری مبتنی بر هدف استفاده شده است. پایان نمونه گیری با استفاده از تکنیک نظری اشباع تعیین شد. براساس تکنیک مذکور، انتخاب افراد شرکت‌کننده تا جایی ادامه می‌یابد که مصاحبه با افراد جدید، اطلاعات تازه‌تری را در اختیار پژوهشگر قرار ندهند [۶]. براین مبنا پژوهشگر پس از مصاحبه با ۱۷ نفر از زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت، به اشباع نظری رسید. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. با توجه به پاسخ‌ها و در صورت لزوم به منظور روشن تر شدن مفهوم، سئوال‌های دیگری نیز مطرح شد و در پایان هر جلسه مصاحبه، از شرکت‌کنندگان درخواست شد چنانچه مطلب دیگری برای ارائه دارند که به آن اشاره نشده بود، بیان نمایند. به عنوان مثال برای

شدند. تأییدیه اخلاقی: اجرای این پژوهش به تأیید کمیته اخلاقی دانشگاه خاتم با کد اختصاصی KH:96.S.100.2582 رسیده است.

نتایج

بررسی **جدول ۱** نشان می‌دهد، میانگین سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۲/۷۶ می‌باشد و همچنین پایین‌ترین سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان در پژوهش، ابتدایی و بالاترین سطح آن کارشناسی ارشد می‌باشد.

یافته‌های حاصل از چالش‌های حضانت کودک در زنان در حال طلاق در قالب درون مایه، مضمون‌های اصلی و زیرمضمون‌ها مشخص گردید که در **جدول ۲** آمده است.

و چالش‌های حضانت کودک برای زنان و همچنین تجارب زنان در حال طلاق و نظرات مشارکت‌کنندگان و همچنین مشارکت و تعامل نزدیک و مستمر و درگیر کردن مشارکت‌کنندگان در امر تفسیر، مراجعه مجدد به آنان و نیز مشخص نمودن هرچه واضح‌تر مراحل و چگونگی فرایندها به‌منظور سهولت در بررسی و درک آن توسط دیگران به این مهم پرداخته شد تا از اعتبار و صحت مطالعه، هر چه بیشتر اطمینان حاصل گردد. رضایت نامه برای انجام مصاحبه‌ها و ضبط آنها، ورود و خروج داوطلبانه شرکت‌کنندگان، محفوظ ماندن نام و شماره‌ها و نشانی افراد از شرکت‌کنندگان به صورت کتبی اخذ شد. همچنین، پس از پیاده سازی مصاحبه‌های ضبط شده و نگارش کامل مصاحبه‌ها با پیاده سازی مصاحبه‌های ضبط شده انجام شد، سپس صداها ضبط شده پاک

جدول ۱. توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی زنان در حال طلاق متقاضی اخذ حق حضانت کودک در پژوهش

کد شرکت‌کنندگان	سن	تحصیلات	شغل	تعداد فرزندان
۱	۳۳	فوق دیپلم	کمک پرستار	۱
۲	۳۴	ابتدایی	کارگر قنادی	۲
۳	۲۶	دیپلم	خانه‌دار	۲
۴	۴۲	کارشناسی ارشد	مدیر مدرسه	۲
۵	۲۵	سیکل	خانه‌دار	۲
۶	۴۰	لیسانس	مهندس ناظر	۱
۷	۳۶	دیپلم	خانه‌دار	۲
۸	۳۱	فوق دیپلم	خانه‌دار	۱
۹	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	۱
۱۰	۳۸	دیپلم	کارمند فرودگاه	۳
۱۱	۲۱	دانشجوی کارشناسی	خانه‌دار	۱
۱۲	۳۴	دیپلم	کارمند بیمه	۲
۱۳	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	۱
۱۴	۳۱	فوق دیپلم زبان	مربی زبان	۲
۱۵	۳۶	دیپلم	کارگر تولیدی	۱
۱۶	۲۵	سیکل	خانه‌دار	۱
۱۷	۳۷	سیکل	آرایشگر	۱

جدول ۲. چالش‌های حق حضانت کودک برای زنان در حال طلاق در پژوهش

مضمون‌های اصلی	زیرمضمون‌ها
زندگی رنج آور و تحت فشار مادر	احساس خشم و نگرانی، احساس گناه، احساس غم، احساس نیستی، احساس خستگی و عدم لذت از زندگی، احساس عدم امنیت و بی‌پناهی، احساس حقارت
احساسات منفی و آشفتگی روانی	نگاه منفی جامعه به زنان مطلقه، محدودیت‌های اعمال شده از سوی خانواده اصلی، مشکلات ناشی از فرزند طلاق بودن در جامعه، احتمال انحرافات اجتماعی فرزند به علت عدم حضور پدر، کنجکاوی افراد جامعه در زندگی زنان مطلقه، عدم امکان ازدواج مجدد مادر به علت داشتن حضانت
طرد و استیغمای اجتماعی	افزایش مشکلات اقتصادی با افزایش سن فرزند، لزوم اشتغال برای تأمین مخارج زندگی و یا اشتغال به شغل دوم یا سوم، نیاز به حمایت مالی پدر و خانواده پدری فرزند، مسکن و مشکلات مرتبط با آن، مشکلات مرتبط با تأمین مخارج و مایحتاج فرزند
فشار و بار هزینه‌های اقتصادی	احساس ترس و اضطراب از آینده فرزند، احساس مسئولیت در برابر سلامت اجتماعی فرزند، نگرانی از احساس پشیمانی فرزند بعد از حضانت توسط مادر، نگرانی از عدم ارتباط مناسب فرزند با گروه همسالان، نگرانی از عدم وجود خواستگار یا ازدواج مناسب فرزند در آینده، نگرانی از عادی شدن فرهنگ طلاق در فرزند
دغدغه‌های مادر از آینده فرزند	

بگیرد. شرکت‌کننده با کد ۱ می‌گوید: «من برای حفظ زندگی مشترکمان تلاش‌های زیادی انجام دادم و اصلاً نمی‌خواستم که زندگیمان از هم بپاشد وقتی می‌بینم که این جدایی دارد اتفاق می‌افتد خیلی خشمگین هستم و نگرانم از اینکه فرزندم را در این جدایی از دست بدهم و دادگاه حضانت او را به من ندهد.

احساس گناه: احساس گناه حسی ناخوشایند از پشیمانی یا ناراحتی از واقعیه‌ای است که در گذشته رخ داده است. احساس گناه بعد از یک رویداد، یعنی مقصر دانستن خود در آن مسئله. شرکت‌کننده با کد ۲

احساسات منفی و آشفتگی روانی: در مصاحبه با شرکت‌کنندگان، زنان در حال طلاق، در بیان تجربیات روانشناختی و هیجانی خود، به احساساتی اشاره نمودند که در ۷ زیرمضمون به آنان اشاره شده است که به اختصار هر کدام با ذکر نقل قول توضیح داده شده است.

احساس خشم و نگرانی: خشم یک احساس طبیعی است که از نظر شدت از تحریک ملایم تا عصبانیت شدید تغییر می‌کند و با تغییرات زیست‌شناختی همراه است و نگرانی یک واکنش طبیعی است که در آن ذهن تلاش می‌کند با عامل تهدید بیرونی مبارزه کند و جلوی آن را

سطح ارزش‌ها و نالارزنده سازی فرد منجر می‌شود. این واژه برای بیان نداشتن عزت نفس مطرح است. کد ۱۲ می‌گوید: «دختر ۱۳ ساله‌ام وقتی فهمید که من و پدرش به طور قطعی قراراست از هم جدا شویم» گفت ای وای آبرومون رفت با این اوضاع که پیش آمده پیش هیچ کس نمی‌توانیم سرمان را بلند کنیم» وقتی می‌بینم نظر دخترم این است، به خاطر این تصمیم احساس حقارت می‌کنم

طرد و استیغمای اجتماعی: این تجربیات یکی دیگر از مواردی بود که در طی مصاحبه‌های انجام شده بررسی و استخراج گردید. در این طبقه ۶ زیر مضمون جای گرفت که به اختصار و هر کدام با نقل قول توضیح داده شده است.

نگاه منفی جامعه به زنان مطلقه: فرهنگ حاکم بر جامعه بامقصرانگاری زنان در امر طلاق، بازخوردها و نگاه منفی را نسبت به زنان مطلقه نشان می‌دهد مخصوصاً زمانی که زنان در هنگام طلاق دارای فرزند باشند با بازخوردهای منفی مضاعفی روبه‌رو می‌گردند. کد ۱ در مصاحبه خود می‌گوید: «نگاه جامعه به زن مطلقه بسیار بد است و فرهنگ جامعه هم مطلقگی را مایه آبروریزی می‌داند و اصلاً توجه ندارد که علت طلاق چیست. متأسفانه افراد جامعه زنان مطلقه را افراد بوالهوسی می‌دانند که توجهی به آینده فرزندشان نداشته‌اند و من از این بابت خیلی ناراحتم شاید به خاطر همین نگاه که مدت‌ها این زندگی را تحمل کردم.

محدودیت‌های اعمال شده از سوی خانواده اصلی: منظور از محدودیت‌ها اعمال شده در مصاحبه، محدودیت در انتخاب محل زندگی و نگهداری فرزندان به تنهایی می‌باشد. کد ۳ می‌گوید: «خانواده‌ام از جدایی من خیلی ناراحت هستند و چون بچه‌هایم کوچک هستند به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند که من تنها زندگی کنم. من از این بابت ناراحت نیستم. بیشترین نگرانی من برای زمانی است که با توجه به شرایط پیش آمده خانواده‌ام در همه کارهای من دخالت کنند. آن‌ها حتی در تربیت بچه‌هایم هم دخالت می‌کنند مثلاً پدرم می‌گفت "بچه‌هایت پسر هستند بهشون محبت نکن، آخرش یکی میشن مثل باباشون" همین حرف‌ها باعث می‌شود که من حتی بعد از طلاق هم احساس آرامش نداشته باشم.

مشکلات ناشی از فرزند طلاق بودن در جامعه: والدینی که مجبور به طلاق می‌شوند همیشه در پس ذهن خود نگران هستند که فرزندانشان از این که فرزند طلاق باشد چه احساسی ممکن است داشته‌باشند. کد ۴ می‌گوید: «بچه‌هایم ۸ و ۱۰ ساله هستند الان به خوبی مسائل را درک می‌کنند. من از رفتارهایشان می‌فهمم، از این که پدر و مادرشان از هم جدا شده‌اند ناراحتند. مخصوصاً پسرم بارها به من گفته "اصلاً به ما فکر می‌کنید که ما الان چه حالی داریم" حتی هفته پیش به تولد دخترخاله‌اش هم نرفت گفت "بریم که چی بشه بگیریم داریم فرزند طلاق می‌شیم.

احتمال انحرافات اجتماعی فرزند به علت عدم حضور پدر: پدر و مادر همچون دو کفه ترازو وضعی متوازن و متعادل در تربیت فرزند به وجود می‌آورند مطمئناً اگر یکی از این دو کفه غایب باشد تربیت کودک دچار عارضه خواهد شد. کد ۱۷ می‌گوید: «پسر ۱۴ ساله و در دوران نوجوانی است. او بسیار پرخاشگر است و اصلاً از من حرف شنوی ندارد. او در این سن نیاز دارد که با کسی از جنس خودش صحبت کند

در مصاحبه خود می‌گوید: «از زمانی که درخواست طلاق داده‌ام چیزی در وجودم آرام می‌دهد با خودم می‌گویم این بچه‌ها چه گناهی دارند که باید به آتش ما بسوزند آن‌ها که خود با خواست خود به این دنیا نیامده‌اند ما خواستیم که بیایند، من احساس گناه می‌کنم که آن‌ها را به این دنیا آوردم.

احساس غم: غم یا اندوه احساسی است که در نتیجه از دست دادن ایجاد می‌شود. وجود این احساس در افراد یک امر طبیعی است اما افزایش و استمرار این احساس می‌تواند ناخوشایند و آسیب‌رسان باشد. کد ۱۰ در این خصوص می‌گوید: «اگر بچه‌ها را از من بگیرند از غصه دق خواهم کرد. یاد خاطرات بدی که پدرشان با آن‌ها داشت می‌افتم. یک روز که از سرکار به خانه آمدم دیدم حال دخترم که آن موقع ۱۴ سال بیشتر نداشت خیلی بد است از دختران دیگرم پرسیدم که چه شده ولی آن‌ها از ترس ناراحت شدن من و از ترس پدرشان جواب ندادند. وقتی خواستم لباس‌هایم را در لباسشویی بشویم دیدم لباس‌های دخترم که آغشته به خون بود در داخل لباسشویی است با تعجب از دختر کوچکم پرسیدم که چه اتفاقی افتاده دخترم با گریه گفت که "بابا آبجی رو آن قدر زد که آبجی داشت می‌مرد.»!

احساس نیستی: نیستی به معنای زوال و نابودی است. شرکت‌کنندگان به سؤال "فکر می‌کنید در صورتی که شرایطی پیش بیاید که با فرزندتان نباشید چه اتفاقی بیفتد؟" این گونه پاسخ دادند. کد ۸ در این خصوص می‌گوید: «بچه تکه و پاره‌ای از وجود مادر است، اصلاً قلب مادر است. اگر کسی بچه‌ای را از مادرش جدا کند، قلب او را از او گرفته، بدون قلب به نظر شما کسی می‌تواند زندگی کند؟

احساس خستگی و عدم لذت از زندگی: زمانی که احساسات منفی و ناامیدی در زندگی افراد ایجاد می‌شود و فرد توان مبارزه را از دست می‌دهد، احساس خستگی و عدم لذت از زندگی در او ایجاد می‌شود. کد ۱۷ در مصاحبه خود چنین بیان می‌کند: «۱۷ سال زندگی مشترک و کلی تحمل مشکل و آخر طلاق!! وقتی به این مسئله فکر می‌کنم از ادامه زندگی منصرف می‌شوم من که این همه کتک، فحش و رفتارهای ناشایست یک فرد روانی را در زندگی تحمل کردم الان واقعاً احساس خستگی می‌کنم، احساس می‌کنم زندگی روی خوشی ندارد.

احساس عدم امنیت و بی‌پناهی: آبراهام مازلو، در هرم سلسله مراتب نیازها، دومین نیاز فرد را نیاز به امنیت نشان می‌دهد، وی ناامنی را احساسی پیچیده و مرکب می‌داند. احساس طردشدن، مورد عشق و علاقه نبودن، دیده نشدن، داشتن احساس نفرت انگیز و خصمانه به دیگران، تنهایی و انزوا، همیشه در معرض خطر بودن، تنیدگی و تعارض که به دنبال خستگی و پرخاشگری می‌آید، عیب جوئی و بیش از حد وسواسی بودن. کد ۱۷ می‌گوید: «در جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم هیچ اثری از امنیت وجود ندارد چه برسد به این که یک زن به تنهایی بخواهد زندگی‌اش را اداره کند من فکر می‌کنم بعد از گرفتن حضانت پسرم مهمترین دغدغه روانی من احساس بی‌امنیتی و بی‌پناهی باشد. من همیشه شاهد بودم که زنان مطلقه حتی در محل کار خود عنوان نمی‌کردند که مطلقه هستند والان می‌فهمم که آن‌ها احساس امنیت نمی‌کردند و به همین خاطر حقیقت را نمی‌گفتند.

احساس حقارت: احساس حقارت یک باور عمیق، غیر واقعی و دائم در مورد پایین بودن توانایی‌های عقلانی و جسمانی است که به **کاهش**

که به ذهنم رسید این بود که ای کاش شاغل بودم و درآمدی داشتم. چون در آن صورت این همه سال از طلاق نمی ترسیدم. با وجودی که خانواده ام از هر لحاظ با روی باز مرا می پذیرند ولی حتماً برای تأمین مخارج زندگیم به کاری مشغول خواهم شد.

نیاز به حمایت مالی پدر و خانواده پدری فرزندان: بر اساس ماده ۱۱۹۰ قانون مدنی، نفقه اولاد برعهده پدر است. چه این که پدر حضانت را بر عهده داشته باشد یا این که حضانت بر عهده مادر باشد (منصور، ۱۳۹۶). کد ۵ می گوید: «با توجه به این که من فعلاً مشغول به کار نشده ام حتماً نیاز به کمک مالی از طرف پدر بچه ها خواهم داشت. هر چه باشد دوتا بچه مخارج زیادی دارد و من تا مشغول به کاری نشده ام باید کسی باشد که کمک کند.

مسکن و مشکلات مرتبط با آن: از جمله مهمترین مشکلات زنان در حال طلاق مسئله مسکن است. یافتن محلی برای زندگی با توجه به تغییر وضعیت جدید، هزینه اجاره یا خرید مسکن، دید اجتماعی منفی به زنان مطلقه برای اجاره مسکن به آن ها، شکایاتی بود که زنان در حال طلاق بیان نمودند. کد ۱ می گوید: «با وجودی که شاغل هستم ولی چون حقوق کمی دارم بعید می دانم که به این زودی ها بتوانم خانه ای داشته باشم به همین خاطر فکر می کنم مدت ها مستأجر باقی بمانم. کد ۱۴ می گوید: «بعد از این که خانه را ترک کردم به همراه دو فرزندم به دنبال جایی بودم که در آن زندگی کنم ولی اکثر جاهایی که رفتم تا می فهمیدند من می خواهم به تنهایی و بدون همسر با فرزندانم زندگی کنم منصرف می شدند و می گفتند ما به زن مطلقه خانه اجاره نمی دهیم چون باعث دردسر می شود.

مشکلات مرتبط با تأمین مخارج و مایحتاج فرزندان: با توجه به این که بعد از اخذ حضانت فرزندان عملاً تأمین مخارج و مایحتاج فرزندان به عنوان یک نقش جدید بر عهده مادر است بنابراین انتظار می رود مشکلاتی را در پی داشته باشد. کد ۲ می گوید: «در این وضعیت اقتصادی بد حتی اگر یک مرد هم بخواهد به تنهایی یک زندگی را اداره کند دچار مشکل می شود وای به حال زن که هم باید به بچه ها رسیدگی کند و هم کار کند. من با این که در جای دیگری هم علاوه بر کار اصلی کار می کنم باز هم در تأمین مخارج زندگی دچار مشکل هستم چون حقوق ها ثابت هستند ولی اجناس هر روز گران تر می شوند

دغدغه های مادر از آینده فرزندان: در این پژوهش علاوه بر تجربیاتی که زنان در حال طلاق در حوزه های گوناگون بیان نمودند، نگرانی هایی از آینده فرزندان دارند که در بررسی انجام شده ۶ زیر مضمون شناسایی شده که با ذکر نقل قول توضیح داده شده است.

احساس ترس و اضطراب از آینده فرزندان: ترس یک واکنش احساسی به تهدید یا خطر است و در پاسخ به یک محرک منفی خاص روی می دهد. اضطراب واکنش طبیعی انسان ها در برابر فشار روانی است. کد ۱۵ می گوید: «به نظرم یکی از مشکلاتی که در صورت گرفتن حق حضانت داشته باشم ترس از آینده دخترم است. الان که به جدایی نزدیک تر می شوم دچار ترس و اضطراب شده ام و دائم از خودم می پرسم آیا می توانم به تنهایی از دختر ۶ ساله ام نگهداری کنم؟ آیا می توانم در آینده نیازهای او را تأمین کنم.

احساس مسئولیت در برابر سلامت اجتماعی فرزندان: احساس مسئولیت به عنوان یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام

و من نمی توانم در این خصوص کمکی به او کنم. گاهی شبها دیر به خانه می آید و با بچه های شر محله دوستی می کند مطمئناً در نبود پدر احتمال به انحراف کشیده شدن پسر و وجود دارد هر چند من تلاشم را می کنم که این اتفاق نیفتد ولی نمی دانم چقدر بتوانم موفق شوم.

کنجکاوی افراد جامعه در زندگی زنان مطلقه: یکی از مسائلی که زنان در حال طلاق شرکت کننده از آن به عنوان تجربه تلخ یاد نمودند عدم درک اطرافیان و کنجکاوی آنان در زندگی و نحوه بزرگ کردن فرزندان تحت حضانت آنان است. کد ۹ می گوید: «بیشتر افراد وقتی می شنوند که کسی در حال طلاق گرفتن است به قصد کمک یا دلجویی نزدیک می شوند ولی کنجکاو هستند که بدانند چه برنامه ای برای زندگی ام دارم چگونه می خواهم فرزندم را بزرگ کنم با وجودی که سعی می کنم از آنان دوری کنم ولی برخوردشان آزارم می دهد و در من اضطراب ایجاد می کند.

عدم امکان ازدواج مجدد مادر به علت داشتن حضانت: در شرایط لازم برای اخذ حضانت، ازدواج مجدد مادر، یگانه مانعی است که فقط شامل مادر می شود. هرگاه پس از طلاق، مادر صلاحیت دار شناخته شود و حضانت طفل به مادر واگذار شود و در این دوره، شوهر دیگری انتخاب نماید، مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی، حق حضانت او ساقط می شود و حضانت با پدر خواهد بود. کد ۷ می گوید: «قانون همیشه به نفع مردان است اگر مردی حضانت بچه هایش را داشته باشد می تواند ازدواج کند ولی زن نمی تواند. خب همان مشکلی که از طرف پدر ناتنی بچه را تهدید می کند درباره مادر ناتنی هم وجود دارد. اگر پدری نا لایق بود و مادر از او جدا شد خب شاید پدری دیگر این گونه نباشد من ۳۶ سال دارم و الان می توانم ازدواج مجدد کنم البته به نظر من کمی دیر هم هست. اگر منتظر شوم بچه ها بزرگ شوند شاید دیگر کسی نباشد که با من ازدواج کند اگر هم باشد دیگر جذابیتهای ندارد.

فشار و بار هزینه های اقتصادی: از بررسی حوزه اقتصادی و معیشتی در مصاحبه با زنان در حال طلاق متقاضی حق حضانت کودک، ۵ زیر مضمون به دست آمده که به شرح آن با ذکر نقل قول اشاره می شود.

افزایش مشکلات اقتصادی با افزایش سن فرزندان: زنان در حال طلاق شرکت کننده در پژوهش حاضر، مسئله اقتصادی را به عنوان یکی از مهمترین دغدغه ها عنوان نمودند که تصور می کردند با بزرگتر شدن فرزندان تحت حضانت آن ها، این مسئله حادث تر می شود. کد ۱ در مصاحبه خود می گوید: «در حال حاضر همه چیز خوب است ولی فکر می کنم وقتی پسر بزرگتر شود از نظر کلاس های مختلفی که باید بروم مثل کلاس کامپیوتر و کلاس زبان همچنین مخارج اوقات فراغتش مثل باشگاه و مهم تر از همه مخارج دانشگاه و ازدواجش بیشتر شود و من از نظر اقتصادی با مشکلات بیشتری روبرو شوم.

لزوم اشتغال برای تأمین مخارج زندگی و یا اشتغال به شغل دوم یا سوم: زنان در حال طلاق، می دانند بعد از طلاق، نقش دیگری هم علاوه بر مادری خواهند داشت و مسئولیت مخارج و مایحتاج فرزندان برعهده آن ها خواهد بود بنابراین اگر در حال حاضر شاغل است، باید تلاشش را بیشتر کند و اگر خانه دار است برای اداره مالی خود و فرزندان باید شغلی داشته باشد. کد ۳ می گوید: «روزی که همسر من با وقاحت تمام به من گفت که می خواهد با خانم دیگری ازدواج کند و به من گفت که اختیار با من است، بمانم و اجازه دهم که او ازدواج کند، یا بروم، اولین چیزی

را بگیرد که پدر و مادرش از هم جدا شده‌اند یا دختر به کسی بدهد که فرزند طلاق است با خودشان می‌گویند پدر و مادری که نتوانستند باهم زندگی کنند چطور زندگی کردن را به بچه‌هایشان یاد داده‌اند؟.

نگرانی از عادی شدن فرهنگ طلاق در فرزند: الگو پذیری فرزندان از والدین در خصوص طلاق، مسئله قابل تأملی است و بیم آن می‌رود، قبح موضوع طلاق برای فرزندان از بین برود و طلاق امری عادی جلوه داده‌شود، بنابراین، این نگرانی برای مادران وجود دارد که فرزندان در آینده با کمترین مشکل، اقدام به طلاق نمایند. کد ۱۰ می‌گوید: «من در تمام سالها به این علت مشکلات را تحمل کردم و دم برنیاوردم چون در خانواده ما طلاق عمل زشتی به حساب می‌آمد ولی وقتی اقدام به طلاق کردم شاید یکی از نگرانی‌های بزرگ این است که این امر برای بچه‌هایم عادی شود.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های روان شناختی زنان در حال طلاق پیرامون اخذ حق حضانت کودک، صورت گرفت. نتایج بررسی‌ها نشان داد که چالش‌ها در چهار مضمون اصلی: ۱- احساسات منفی و آشفتگی روانی، ۲- طرد و استیغمای اجتماعی ۳- فشار و بار هزینه‌های اقتصادی ۴- دغدغه‌های مادر از آینده فرزند به دست آمد. در راستای این یافته، Tomas and Rayan به این نتیجه دست یافتند که، زنان در حال طلاق که متقاضی حق حضانت فرزندشان هستند در راهی که برای اخذ حق حضانت، قدم گذاشته‌اند، احساسات پیچیده و ضد و نقیضی را تجربه می‌کنند. از طرفی، احساس خشم و نگرانی، احساس غم و احساس نیستی از جمله احساساتی است که این زنان در صورت نداشتن حق حضانت فرزندشان، تجربه می‌کنند. زیرا معتقدند برای زندگی مشترکشان و برای به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزندشان زحمت زیادی کشیده‌اند و از لحاظ عاطفی هم فرزندشان به مادر و هم مادر به فرزند وابستگی زیادی دارد و کمتر مادری قادر به تحمل جدایی از فرزندش است اگر قرار باشد با طلاق این پیوستگی از هم گسسته شود باعث خشم آن‌ها می‌شود [۹]. از طرفی دیگر، در حالت منطقی، دلالی که باعث شده یک زن درخواست طلاق بدهد خطری است که بیشتر از خود زن، فرزند را تهدید می‌کرده بنابراین اگر قرار باشد بچه‌ها باز با همان پدر و این بار بدون حضور مادر، زندگی کنند جای نگرانی است. و در این صورت زندگی معنای خود را برای یک مادر از دست خواهد داد و ممکن نخواهد بود [۱۰].

همچنین، در صورت اخذ حق حضانت احساساتی از جمله: احساس گناه، احساس ترس و اضطراب از آینده فرزند، احساس خستگی و عدم لذت از زندگی و احساس مسئولیت در برابر سلامت اجتماعی فرزند را گزارش می‌دهند؛ در صورت طلاق و گرفتن حق حضانت توسط مادر، فرزندان از دیدار و ارتباط با پدر به طور روزانه و معمول محروم خواهند شد، به این ترتیب، فرزندان نقش الگویی پدر را از دست خواهند داد و دچار آسیب خواهند شد [۴، ۱۰]. طبق اظهارات زنان، با گرفتن حق حضانت، این حق را که فرزند بتواند با هر دو والد زندگی کند را از او می‌گیرند، این در حالی است که فرزندشان چیزی را از دست می‌دهد که خود مسبب آن نبوده است. به همین خاطر این افکار باعث احساس گناه در مادران می‌شود. همچنین مادران متقاضی حق حضانت در برابر سلامت اجتماعی فرزندان احساس مسئولیت می‌کنند. چون

مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است، که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. فردی که مسئولیت کاری مانند نظارت بر سلامت اجتماعی فرزند را بر عهده می‌گیرد، توافق می‌کند که یکسری فعالیت‌ها و کارها را انجام دهد یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد. کد ۱۱ می‌گوید: «قبلاً من و پدرش باهم مسئول تربیت دخترمان بودیم هر چند پدرش معتاد بود ولی بود. حالا که قرار است نباشد این مسئولیت به تنهایی بر عهده من است و همین، کار مرا، کمی سخت می‌کند. گاهی می‌ترسم نکنم مشغول تأمین مخارج او شوم و از تربیت او غافل شوم و نتوانم فرد لایقی تحویل جامعه بدهم.

نگرانی از احساس پشیمانی فرزند بعد از حضانت توسط مادر: به گفته اکثر زنان در حال طلاق، در این پژوهش، اگرچه مادر در ظاهر تصمیم‌گیری برای زندگی با پدر را به فرزندش محول می‌کند، ولی در نهایت به جدایی از فرزندش، رضایت قلبی ندارد. زیرا برای بیشتر زنان، وجود فرزند بعد از طلاق، شوق ادامه زندگی را در آن‌ها ایجاد می‌کند. بنابراین، تلاش برای نگهداری فرزندان نگرانی‌هایی برای زنان در حال طلاق دارد یکی از این نگرانی‌ها احساس پشیمانی فرزندان بعد از گرفتن حق حضانت توسط مادر است. کد ۳ می‌گوید: «بچه‌هایم الان که کوچک هستند و پدرشان با آن‌ها بد اخلاقی می‌کند از او بدشان می‌آید و به سمت من تمایل دارند ولی چون پسر هستند احتمال این که دلشان بخواهد پدر داشته‌باشند خیلی زیاد است. من امید زیادی ندارم که بچه‌ها همیشه با من زندگی کنند و همیشه نگران آن لحظه‌ای هستم که بچه‌ها بگویند ما نمی‌خواهیم با تو زندگی کنیم و به سمت پدرشان بروند.

نگرانی از عدم ارتباط مناسب فرزند با گروه همسالان: فرزندان به علت رشد در محیط ناهنجار و بی‌ثبات ناشی از تعارض بین والدین، در معرض خطر بدکارکردی در تعدادی از حوزه‌ها هستند. که منجر به رفتارهایی مانند: پرخاشگری، حسادت، دروغ‌گویی، گوشه‌گیری، خودکم بینی، قهر، لجبازی و کاهش اعتماد به نفس در برخورد با گروه همسالان می‌شود همین عامل باعث نگرانی مادرانی می‌شود که حضانت و نگهداری فرزندانشان را برعهده دارند. کد ۷ می‌گوید: «بچه‌ها همیشه نگاه پدر و مادر می‌کنند. من و همسر من از وقتی که بچه‌ها کوچک بودند همیشه دعوا می‌کردیم. الان بچه‌هایم خیلی عصبی هستند. آن‌ها در خانه با هم دعوا می‌کنند و در مدرسه همه از آن‌ها ناراضی هستند مخصوصاً پسر که چند بار به خاطر دعوایی که در مدرسه داشت نزدیک بود از مدرسه اخراج شود. دختر من هم با کوچکترین مسئله‌ای با دوستانش قهر می‌کند. من در این رابطه قصد دارم هر دو را بعد از طلاقم پیش روانشناس ببرم چون واقعاً احتیاج دارند.

نگرانی از عدم وجود خواستگار یا ازدواج مناسب فرزند در آینده: زنان در حال طلاق با داشتن حق حضانت، معمولاً نگاهی دور به آینده فرزندانشان دارند که نگرانی‌هایی را به دنبال دارد. آن‌ها احساس گناه می‌کنند از این که طلاق آنان زمینه مساعد برای ازدواج فرزندانشان را با مشکل مواجه نماید. کد ۲ می‌گوید: «وقتی طلاق اتفاق می‌افتد، شاید زن و مرد راحت شوند ولی این بچه‌ها هستند که آسیب می‌بینند من این مسئله را خیلی خوب می‌دانم و به همین دلیل هم این زندگی را تا الان تحمل کردم. چون می‌دانستم اگر در آینده بچه‌هایم بخواهند ازدواج کنند دچار مشکل می‌شوند. کمتر کسی راضی می‌شود دختری

نگران ازدواج مناسب فرزندان خود هستند و هراس زیادی در خصوص عادی شدن طلاق با توجه الگویی که از والدین در خصوص طلاق گرفته‌اند، هستند (۱،۳). در انجام این پژوهش، پژوهشگران با محدودیتهای مواجه بوده‌اند از جمله؛ دشواری انجام مصاحبه‌ها و طولانی شدن روند انجام پژوهش بیش از زمان تعیین شده و محدودیت پژوهش‌های کیفی درباره حضانت در داخل و خارج از کشور از این جمله‌اند. در نهایت پیشنهاد می‌شود که برنامه‌هایی در راستای حمایت یابی روانشناختی و اجتماعی از زنان در حال طلاق و فرزندان تحت حضانت آنها در قالب گروه‌های حمایتی مرم نهاد و مداخله‌های آموزشی برای کاهش اثرات طلاق و حضانت تشکیل شود تا زنان در حال طلاق با آگاهی و درک بهتری از فرایند طلاق از آسیب‌های احتمالی به خود و فرزندان بکاهند. همچنین، پژوهش‌های کیفی در زمینه استیگما یا ننگ اجتماعی ناشی از طلاق صورت بگیرد.

نتیجه‌گیری

چالش‌های حضانت کودک در زنان در حال طلاق ریشه در جنبه‌های گوناگون زندگی یک زن دارد که می‌تواند از جنبه‌های روان شناختی، اجتماعی و اقتصادی به آن پرداخت. به نظر می‌رسد که، مداخله‌های متخصصان مددکاران اجتماعی، مشاوران و حقوقدانان باید به این دو بخش روان شناختی- اجتماعی و اقتصادی و معیشتی در ارائه راهکارهای مشاوره‌ای خود دقت کنند و قبل از هر تصمیمی زنان را از عواقب پیش رو آگاه سازند. همچنین، برای کاهش اثرات روان شناختی طلاق بر زنانی که قصد حضانت فرزند را دارند، توجه ویژه شود. آماده سازی، آگاه سازی و توانمندسازی زنان می‌تواند از پیامدهای روانی و هیجانی زنان بکاهد.

تشکر و قدردانی

این پژوهش برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده نویسنده اول در دانشگاه خاتم می‌باشد. نویسندگان مقاله از سازمان بهزیستی شهرستان اسلامشهر، مراکز مشاوره این شهرستان و تمامی شرکت کنندگانی که صمیمانه ما را در انجام این پژوهش یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

ملاحظات اخلاقی

اجرای این پژوهش به تأیید کمیته اخلاقی دانشگاه خاتم با کد اختصاصی KH:96.S.100.2582 رسیده است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که هیچ گونه تعارض منافی با یکدیگر ندارند.

منابع مالی

این پژوهش اقتباس از پایان نامه دانشجویی است و دسترسی به منابع مالی حمایتی نداشته است.

بعد از اخذ حق حضانت فرزندان، عملاً نگهداری و محافظت از فرزندان بر عهده آنان است یعنی علاوه بر نقش مادری باید نقش پدر را نیز برعهده بگیرند. ولی آنان به دلیل مشکلات زندگی گذشته، که منجر به درخواست طلاق شده‌است، احساس کمبود انرژی و توانایی می‌کنند و حالا که می‌بینند باید با سرسختی، زندگی را به تنهایی اداره کنند، احساس خستگی می‌کنند، به گونه‌ای که احساس می‌کنند قرار نیست از زندگی‌شان لذت ببرند [۱۱].

گرچه، زنان این احساسات را هرگز به زبان نمی‌آورند و فقط در تنهایی خود به آن فکر می‌کنند. با استناد به بیان شرکت کنندگان در این پژوهش، آن‌ها از اینکه به هر دلیل قصد جدایی و طلاق دارند در برابر نگاه فرزندان و خانواده احساس حقارت می‌کنند و معتقدند با وجودی که که عملاً به علت شرایط نامساعد زندگی باهمسرشان قصد طلاق دارند ولی تصور می‌کنند پس از طلاق، احساس عدم امنیت و بی‌پناهی کنند. همچنین، چالش‌ها و تجربه‌های اجتماعی ایجاد شده برای زنان متقاضی حق حضانت، به ویژه نگاه منفی و کنجکاو افراد جامعه به زنان در حال طلاق و محدودیت‌هایی که از سوی خانواده‌ها اعمال می‌شود از یک طرف، و مشکلاتی که این زنان در صورت گرفتن حق حضانت فرزندان از سوی فرهنگ و افراد جامعه تجربه می‌کنند از طرف دیگر آن‌ها را با مشکلاتی روبرو کرده است. با توجه به قوانین حاکم که برخاسته از فرهنگ و آداب و رسوم جامعه است، آن‌ها در صورت ازدواج مجدد حضانت فرزندان را از دست داده و عملاً ملزم به زندگی بدون همسر هستند. با توجه به قبح طلاق در فرهنگ جامعه حتی فرزندان آن‌ها هم در امان نبوده و به جای حمایت و همدلی افراد جامعه، فرزند طلاق خطاب می‌شوند که این خود، زمینه را برای انحرافات اجتماعی آن‌ها ایجاد می‌کند.

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که، زنان در حال طلاق، در صورت اخذ حق حضانت از نظر اقتصادی و معیشتی با مشکلاتی روبرو هستند که با افزایش سن فرزندان این مشکلات بیشتر می‌شود [۱۲، ۱۳]. بنابراین، این زنان، در صورت داشتن حضانت خود را ملزم دانند علاوه بر حمایت عاطفی، حمایت کننده مالی فرزندان نیز باشند که در این صورت اگر شغلی ندارند باید به دنبال شغلی مناسب باشند و اگر شاغل هستند و درآمد کافی ندارند به دنبال شغل دوم یا سوم باشند، چراکه باید از نظر مسکن، و تأمین مخارج و مایحتاج زندگی، بتوانند فرزندان را حمایت کنند [۱۴-۱۶]. البته طبق قانون در صورت اخذ حضانت توسط مادر، پدر نیز باید مبلغی را به عنوان نفقه به فرزند پرداخت نماید.

علاوه بر چالش‌ها و مشکلات ذکر شده در خصوص اخذ حضانت توسط زنان در حال طلاق، این زنان در صورت داشتن حق حضانت نیز، نگرانی‌هایی از آینده فرزندان دارند. آن‌ها معتقدند فرزندان در اثر کشمکش‌های والدین آسیب دیده‌اند و نگران عدم ارتباط مناسب آنان با گروه همسالان خود به علت آسیب‌های وارده هستند. علاوه بر این، آن‌ها نگران احساس پشیمانی فرزندان بعد از حضانت توسط مادر هستند. زیرا از لحاظ عاطفی به فرزندان وابستگی دارند. از طرفی

References

1. Vaezi K. Divorced Womens Attitude toward About the Factors Contributing to a Divorce, Case Study: The Divorced Women of Baneh. QJ Soc Work. 2015;4(1):52-64.
2. Pourasadi M, Hashemi M. Phenomenon of divorce and custody of children after separation. Police Zan. 2012;6(16):54-81.
3. Zaree F, Solhi M, Taghdisi MH, Kamali M, Shojaezadeh D, Nejat S, et al. Post-divorce life experience in divorcee

- women: A qualitative study. *Razi J Med Sci.* 2014;21(124):22-36.
4. Gottman J. The relationship between marital processes and marital outcomes. England: Hillsdale, NJ; 1994.
 5. Colaizzi PF, Valle R, King M. Existential phenomenological alternatives for psychology. *Psychol res phenomenol view.* 1978:48-71.
 6. Satvat A, Khodabakhshi-Koolaei A, Falsafinejad MR, Sanagoo A. Identifying the challenges Marriage of Person with Physical-Motor Disabilities in Tehran: A phenomenological study. *Iran J Rehabil Res.* 2019;5(2):55-62.
 7. Shosha GA. Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *Eur Sci J.* 2012;8(27).
 8. Cope DG. Methods and meanings: credibility and trustworthiness of qualitative research. *Oncol Nurs Forum.* 2014;41(1):89-91. doi: 10.1188/14.ONF.89-91 pmid: 24368242
 9. Thomas C, Ryan M. Women's Perception of the Divorce Experience: A Qualitative Study. *J Divorce Remarriage.* 2008;49(3-4):210-24. doi: 10.1080/10502550802222394
 10. Guinart M, Grau M. Qualitative Analysis of the Short-Term and Long-Term Impact of Family Breakdown on Children: Case Study. *J Divorce Remarriage.* 2014;55(5):408-22. doi: 10.1080/10502556.2014.920687
 11. Blum CA. Concerns of the Divorced Woman and Impact on Health. *J Fam Med Forecast.* 2018;1(1):1005.
 12. Tulane S, Skogrand L, DeFrain J. Couples in Great Marriages Who Considered Divorcing. *Marriage Family Rev.* 2011;47(5):289-310. doi: 10.1080/01494929.2011.594215
 13. Tran S. Mothers in transition: A qualitative needs assessment. USA: Indianapolis, IN: Indiana Commission for Women and the IUPUI Office for Women; 2011.
 14. Crosse R. Irish mothers, separation and divorce an exploratory study. marriage. 2008;41:2.
 15. Gottman JM, Silver N, Olejnik D. Siedem zasad udanego małżeństwa. Poland: Wydawnictwo Uniwersytetu Jagiellońskiego; 2014.
 16. Haji Azizi B, Molodi M, Hassankhani R. Innovations and Challenges of the Custody of Women in the Light of Family Law Enforced 2013. *Woman's strategies studies.* 2016;18(70):93-139.